

بسم الله الرحمن الرحيم

مفت سیکر

مفت سیکر
بہ اہتمام فرزانہ اسلام آباد

سرشناسه : نظامی، الیاس بن یوسف، ۹۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق.

عنوان قرارداد: هفت پیکر

عنوان و نام پدیدآور : هفت پیکر نظامی گنجوی / به اهتمام فرزانه اصلانی مناف .

مشخصات نشر : تهران : آزادوار، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.

شابک : 978-600-91566-1-0

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۶ ق.

اسم و زاده : اصلانی مناف، فرزانه، ۱۳۶۵ ، گردآورنده

ردیفی کنگره : ش ۱۳۲۹۲۱۳۲۵ PIR

بندی ملی : ۸۱۶ / ۲۳

شماره ثبت ملی : ۳۳۴۶۶۲۵

آدرس فروش: خ کارگر جنوبی - جمهوری - برج مهستان - ط پنجم - واحد ۵۰۲

مرکز بخش: کیمیای سعادت - ت: ۶۶۹۴۷۰۹۵ همراه: ۰۹۱۲۱۳۶۸۳۳۳

هفت پیکر

نظامی گنجوی

به اهتمام: فرزانه اصلانی مناف

ناشر: آزادوار

ناظر فنی چاپ: سپهرداد نامی

صفحه‌آرایی: نوین گرافیک ۶۶۴۱۲۳۲۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

چاپ: آسمان

حق چاپ برای خانم فرزانه اصلانی مناف محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۵۶۶-۱-۰

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۴
بخش ۱ - به نام ایزد بخشاينده.....	۶
بخش ۲ - در نعت پيغمبر اکرم.....	۸
بخش ۳ - معراج پيغمبر اکرم.....	۱۰
بخش ۴ - سبب نظم کتاب.....	۱۳
بخش ۵ - دعای پادشاه سعيد علاء الدين کرپ ارسلان.....	۱۷
بخش ۶ - ستایش سخن و حکمت و اندرز.....	۲۴
بخش ۷ - در نصيحت فرزند خویش محمد.....	۳۲
بخش ۸ - آغاز بیان به.....	۳۵
بخش ۹ - در ستایش ساختن قصر خورتق.....	۳۷
بخش ۱۰ - صفت خورشید و ناپیدا شدن نعمان.....	۴۰
بخش ۱۱ - لشکر کشیدن بهرام داغ کردن گوران.....	۴۴
بخش ۱۲ - کشتن بهرام بهار و گنج يافتن.....	۴۶
بخش ۱۳ - بدیدن بهرام در قصر خورتق.....	۵۰
بخش ۱۴ - آگاهی بهرام وفای پدر.....	۵۲
بخش ۱۵ - لشکر کشیدن بهرام به ایران.....	۵۴
بخش ۱۶ - نامه پادشاه ایران به بهرام.....	۵۶
بخش ۱۷ - پاسخ دادن بهرام ایران را.....	۵۸
بخش ۱۸ - برگرفتن بهرام تاج را از میان شاهان.....	۶۴
بخش ۱۹ - بر تخت نشستن بهرام به جای پدر.....	۶۶
بخش ۲۰ - داستان بهرام با کنیزک خویش.....	۷۲
بخش ۲۱ - بردن سرهنگ بهرام گور را به مهمانی.....	۷۶
بخش ۲۲ - لشکر کشیدن خاقان چین به جنگ بهرام گور.....	۸۱
بخش ۲۳ - عتاب کردن بهرام با سران لشکر.....	۸۶
بخش ۲۴ - خواستن بهرام دختر شاهان هفت اقلیم را.....	۹۰
بخش ۲۵ - صفت یزم بهرام در زمستان و ساختن هفت گنبد.....	۹۱
بخش ۲۶ - نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه و افسانه گفتن دختر پادشاه اول.....	۹۸
بخش ۲۷ - نشستن بهرام روز یکشنبه در گنبد زرد و افسانه گفتن دختر پادشاه دوم.....	۱۳۲
بخش ۲۸ - نشستن بهرام روز دوشنبه در گنبد سبز و افسانه گفتن دختر پادشاه سوم.....	۱۳۲
بخش ۲۹ - نشستن بهرام روز سه‌شنبه در گنبد سرخ و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم چهارم.....	۱۳۲
بخش ۳۰ - نشستن بهرام روز چهارشنبه در گنبد پیروزه رنگ و افسانه گفتن دختر پادشاه پنجم.....	۱۳۲
بخش ۳۱ - نشستن بهرام روز پنجشنبه در گنبد صندلی و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم ششم.....	۱۳۲
بخش ۳۲ - نشستن بهرام روز آدینه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم هفتم.....	۱۹۵
بخش ۳۳ - آگاهی بهرام از لشکر کشی خاقان چین بار دوم.....	۲۱۰
بخش ۳۴ - اندرز گرفتن بهرام از شیان.....	۲۱۵
بخش ۳۵ - شکایت کردن هفت مظلوم.....	۲۲۱
بخش ۳۶ - کشتن بهرام وزیر ظالم را.....	۲۲۸
بخش ۳۷ - فرجام کار بهرام و ناپدید شدن او در غار.....	۲۳۰
بخش ۳۸ - در ختم کتاب و دعای علاء الدين کرپ ارسلان.....	۲۳۷

پیشگفتار:

اختلاف و شاید جنگی جدید در بین کشورها (مخصوصاً کشورهای همسایه در آسیای غربی و خاورمیانه) اتفاق افتاده که خاک، مراسم و افتخارات کشورهای دیگر را به نام ملت و کشور خود ثبت کنند از ثبت آیین، سرگرمی‌ها و بازی‌ها گرفته تا شعرا و ادبا و خاک و جزایر. کشورهایی که سعی در سرقت افتخارات و ستارگان علم، ادب و هنر سایر همسایگان خود می‌ورزند گاهی برای اثبات ادعای پوچ خود با کشورهای دیگر هم دست هم می‌زنند. مانند کشور ایتالیا که مجسمه‌ای از نظامی را در میدانی در کشورش نصب نموده و قلمبر زیر آن نوشته نظامی شاعر آذربایجانی. این چنین است در مورد نظامی گنجوی و سایر نویسندگان و شاعران ایرانی که نه تنها کشور همسایه، بلکه هم‌دستان وی در سرقت از کشوران موفق هم بوده‌اند. بدین ترتیب در آینده‌ای نه چندان دور باید منتظر روزی باشیم که کشور ایران به نام تاجیکستان و حتی تحت جمشید به نام یونانی‌ها خلیج فارس به نام امارات و ... و ... داخل تنها راه جلوگیری از این عمل برگزاری بزرگداشت‌ها و مناسبت‌های مختلف بین‌المللی به منظور از سطحی‌نگری‌ها و تعصبات خشک به نام مشاهیرمان می‌باشد و هم‌زمان به هر طرح ادعای بازگرداندن شرافت‌های به سرقت رفته کشور باشیم که هیچ‌یک از این‌ها بی‌هیکاری مؤلفین و ادبا و هنرمندان مردمی در این مسیر میسر نیست.

در مورد نظامی گنجوی، که کشور آذربایجان به نام او مدعی شده باید گفت که گویی آنها نظامی گنجوی را با نظامی قنوی که از شاعران و نویسندگان ایران است جایگزین کرده‌اند. در صورتی که چنان‌که به نظامی نسبت می‌دهند وی در تقابل با امداد و سپس به اتفاق پدر خود، یوسف، به گنجه عزیمت نموده و عاقبت در همان جا درگذشته است. دلیل بر این مدعا سروده وی در اقبالنامه است که چنین گفته:

چون که پدرم در گنجه گفتم
ولی از قتلان شمرتم

به ترش دی است تا نام او
نظامی از آنجا شده نام چو

از این دو بیت، هم به تولد نظامی در تفرش و هم به حضور انبوه شاعران قرن ششم که در گنجینه مرکز شعر و دامستان آن زمان زندگی می‌کرده‌اند پی برد، چنانکه در کتاب نزهت‌المجالس شعرهایی از بیست و چهار شاعر پارسی‌گوی اهل گنجینه از قبیل از حمله قبول شده که این تعداد شاعر پارسی در قرن ششم و هفتم «که نظامی خود را ذری درویشی شاعران گنجینه می‌داند» نشان از آن است که زبان و ادبیات فارسی در آنجا در آن مردم رواج داشته و زبان مردم در کوچه و بازار هم پارسی بوده است.

نظامی هم در آن زمان عراقی است که خود را پارسی زاده می‌داند چنانکه در لیلی و مجنون می‌گوید:

دشمن منجی پارسی زاده از حال عرب چنین گزید

تا اینجا به ظن بنده نظامی پارسی بودن (اهل تفرش بودن) و پارسی زاده بودن خود اقرار داشته و ما نیز او را همان اهل تفرش می‌دانیم. لذا از مسؤولین محترم تقاضا کرده تا نسبت به باز پس‌گیری مشاهد و مرآت همان اقدامی شایسته نمایند. ما نیز به نوبه خود اعلام آمادگی و همکاری خود را اعلام می‌نماییم.

علی آزادواری